

زندگی و اقدامات احتشام السلطنه



زندگی‌نامه‌ی سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه
فرشید مه‌ری
ته‌ران: مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۳۰۲ صفحه

اشاره

برای آشنایی با حقیقت و عمق حوادث تاریخی بهترین روش، شناختن چهره‌ی واقعی گردانندگان و آفرینندگان آن حوادث است. تاریخ یک کشور از شرح حال رجال و بزرگان سیاسی و اقدامات آن‌ها در تعالی و ترقی و پستی و نیستی آن کشور تشکیل یافته است. نهضت مشروطه یکی از تحولات مهم و تأثیرگذار در کشور ماست که دست یافتن به تصویری روشن از آن در گرو شناخت دست‌اندرکاران این تحول بزرگ است. در این میان، احتشام السلطنه یکی از کسانی است که در مسیر مشروطه قدم گذاشت و از زمره افرادی بود که نقش قابل توجهی برای تحصیل مشروطه ایفا کرد نمود و از رجالی بود که اندیشه‌ی تحول نظامی و سیاسی کشور را در سر داشت.

معرفی کتاب

مؤلف کتاب «زندگی‌نامه‌ی سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه» در نگارش کتاب از دو روش برای رسیدن به مقصود اقدام کرده است: ۱. روش تحقیق کتاب‌خانه‌ای ۲. روش تحقیق میدانی، که پایه‌ی اصلی کار را تشکیل داده است. این کتاب بیشتر بر اسناد مربوط و اظهار مطالب یا ارائه‌ی اسناد و مدارک بازماندگان این خانواده تکیه دارد. مجموعه‌ی حاضر از مقدمه، شش فصل، نتیجه، ضمیمه، فهرست منابع و مآخذ تشکیل یافته است. تقسیم‌بندی فصل‌ها بر اساس ادوار زندگی سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه به شرح ذیل است:

فصل اول، شامل شرح حال و معرفی اوست به‌طور کامل، از نظر اصل

و نسب و فرزندان و نوادگان احتشام السلطنه با ارائه‌ی شجره‌نامه‌ای کامل از ایل دولو^۱ و انساب او. احتشام السلطنه از طایفه‌ی قاجار، ایل دولو بود. افراد این ایل در طول تاریخ از موقعیت‌ها و مناصب حساسی برخوردار بودند. سرچان ملکم در کتاب «تاریخ ایران» آورده است که شعبه‌ای از قاجاریه در ارمنستان سکونت داشتند و خانه‌های آن‌ها در کنار یکی از رودخانه‌های این ایالت بود. بعضی از خانواده‌های قاجار به نام رئیس خود، یا به نام دهکده‌ای که حوالی آن مرتع داشتند، نامیده می‌شدند؛ طایفه‌ی دولو (ساکن ایروان) مدت‌ها حوالی قریه‌ی دولو، که نزدیک به شهر ایروان است، زندگی می‌کردند، به همین دلیل به قاجار دولو معروف شدند. گذشته از جا و مکان، زندگی مادی این

در طول حکومت قاجار مناصب لشکری و نظامی نظیر قوللر آقاسی، کشیکچی باشی، یوزباشی، امیرتومانی و امیرنویانی در اختیار دولوها بود

به نام محسن داشت. بالاخره در سن ۷۳ سالگی از ازدواج سوم صاحب فرزندی به نام جواد شد. وی در روز یکشنبه پنجم بهمن ماه ۱۳۱۴ ش، در سن ۷۵ سالگی درگذشت و در «باغچه علیجان» در مجاورت حرم حضرت عبدالعظیم دفن شد.

در فصل دوم نویسنده به ذکر مشاغل درباری و سیاسی احتشام السلطنه در دوره‌ی ناصرالدین شاه پرداخته است. وی در سن ۱۸ سالگی از طرف ناصرالدین شاه مأمور اعطای خلعت همایونی به پدرش محمدرحیم خان امیرنظام، حاکم آذربایجان، شد. چند ماه پس از رفتن او به آذربایجان پدرش فوت کرد و او به تهران مراجعت کرد. وی پس از بازگشت از آذربایجان به سمت ریاست غلامان شاهی (قوللر آقاسی) رسید. در این منصب و موقعیت بود که به او پیشنهاد حکومت خمسه (زنجان) داده شد و مدت سه سال حکمران منطقه‌ی خمسه بود. در طی حکومتش در خمسه اقدامات زیادی انجام داد از جمله متحدالشکل کردن لباس پلیس، ایجاد بناها، تعمیر بعضی بناهای قدیمی، تأسیس داروخانه و آوردن پزشک از تهران، ساختن قنات و آب‌انبار و سرشماری جمعیت موجود در شهر و اطراف آن. وی بعد از انفصال از حکومت خمسه، نزدیک به دو سال در تهران در موقعیت سخت مالی به سر برد، و چون کاری نداشت به ترجمه کتاب گافارل و تاریخ رومی‌ها تألیف ویکتور دوردونی پرداخت. در سال ۱۳۱۲ ق الکساندر سوم امپراتور روس مرد و نیکلای دوم به جای او نشست. احتشام السلطنه به دستور ناصرالدین شاه به همراه هیأتی برای تسلیت درگذشت امپراتور سابق و تبریک سلطنت امپراتور جدید به سنت پترزبورگ رفت. پس از بازگشت از مأموریت سنت پترزبورگ به سمت کارپرداز اول بغداد منسوب شد. از اقدامات وی در بغداد، نصب رواق

طایفه شترداری بوده است. آنان اهل شمشیر و جنگ بودند و در طول حکومت قاجار مناصب لشکری و نظامی نظیر قوللر آقاسی، کشیکچی باشی، یوزباشی، امیرتومانی و امیرنویانی در اختیار دولوها بود. قدرت جنگ‌جویی و نظامی دولوها طوری بود که در زمان ناصرالدین شاه وقتی تشکیلات حکومتی دارالشورای دولتی به وجود آمد، میرزا محمدخان دولو کشیکچی باشی به عنوان وزیر جنگ منصوب شد. انتخاب وی به عنوان اولین وزیر جنگ حکومت قاجار، نشان‌دهنده‌ی نفوذ نظامی خاندان دولو بود. محمودخان غلامیر، معروف به احتشام السلطنه، فرزند محمدرحیم خان علاءالدوله بود. وی روز دوشنبه سال ۱۲۷۹ هـ ق برابر با ۲۷ ژوئیه ۱۸۶۳ م در تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی، صرف و نحو عربی و زبان فرانسه را در دارالفنون آموخت. وی در سال ۱۲۹۷ ق به خدمت دولت درآمد و سمت یوزباشی کشیک‌خانه^۲ را به عهده گرفت و مدتی نگذشت که به سمت قوللر آقاسی^۳ باشی گماشته شد و چندین سالی در این مقام خدمت کرد. اما در مورد چگونگی دریافت لقبش؛ این‌گونه بود که زمانی محمودخان به حکومت خمسه منصوب شد. امین السلطان با پیشکش دادن هفتصد سکه اشرفی به ناصرالدین شاه، لقب احتشام السلطنه را برای او تحصیل کرد. وی در زمان شاهان قاجار، الخصوص در زمان ناصر، به مناصب بالای حکومتی رسید. در زندگی خصوصی و شخصی سه بار ازدواج کرد. دومین همسر وی یک خانم فرانسوی بود و از او یک پسر





**کار دیگر احتشام السلطنه تشکیل
صندوق معاونت زوار بود. بدین
معنا که زائران گرفتار و بی پول در
محل سرکنسولگری صندوقی به
نام صندوق کمک و معاونت زوار
داشتند**

کتابخانه‌ی ملی می‌نویسد: «پس از این که تعداد مدارس از پانزده باب گذشت، برای تأسیس کتابخانه‌ی ملی اقدام کردم. خانه‌ی ملکی متعلق به خود را برای انجمن معارف و کتابخانه‌ی ملی اختصاص دادم و نزدیک به یک هزار جلد کتاب که دوثلث آن خطی بود، به کتابخانه‌ی ملی واگذار کردم و شروع به جمع‌آوری کتاب از اشخاص نمودم.»

احتشام السلطنه بعد از استعفا از وزارت امور خارجه، به یک دوره حکومت دو ساله در کردستان و پس از آن، به سمت وزیرمختار ایران در برلن منصوب شد. مأموریت احتشام السلطنه در برلن پنج سال به طول انجامید. و فعالیتش محدود به مسافرت‌های مظفرالدین شاه به آلمان از طریق مرادیه با مقامات آلمانی و چگونگی این مسافرت‌ها بود. عزیمت احتشام السلطنه از برلن به تهران مصادف با جریانات آزادی‌خواهی و مشروطه‌طلبی بود و در این جریانات سیاسی وی جزو کسانی بود که خواهان مشروطه در کشور بودند. تقی‌زاده در این مورد می‌نویسد: «او به طرفداری از مشروطیت قد علم کرد. خیلی رشید و با جرأت بود. داستان دارد که چطور در اول مشروطیت برای کار مملکت جمع می‌شدند و شور می‌کردند. عین‌الدوله شمشیر برنده‌ی استبداد بود. امیرپهادر خیلی تندی می‌کرد که ما همه فدایی شاه هستیم. کسی جرأت نکرده بود بالای حرف او حرف بزند ولی احتشام السلطنه با جسارت تمام گفته بود، اگر مملکت مشروطه نشود پادشاه هم از بین می‌رود. ما می‌خواهیم پادشاه ما مثل پادشاه ژاپن بشود. از آنجا که بیرون آمد طلاب مدرسه او را روی دست گرفتند و در خیابان‌ها گردانیدند. از باب اینکه از شاه هم نمی‌ترسید.»^۴

بعد از این جریانات وی از طرف دولت به نقاط مرزی ایران و عثمانی تبعید شد. هنگامی که احتشام السلطنه مأموریت کمیسوین سرحدی را داشت اوضاع در تهران از این قرار بود که مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت امضاء کرد و پس از مدتی انتخابات دوره‌ی اول مجلس شورای ملی انجام گرفت و احتشام السلطنه از طبقه‌ی اعیان به عنوان وکیل مجلس انتخاب شد. انتخاب احتشام السلطنه به نمایندگی دوره‌ی اول مجلس شورای ملی، پایگاه مشروطه‌طلبی او را در میان مردم به

نقره‌ی حضرت سیدالشهدا (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) بود. کار دیگر احتشام السلطنه تشکیل صندوق معاونت زوار بود. بدین معنا که زائران گرفتار و بی پول در محل سرکنسولگری صندوقی به نام صندوق کمک و معاونت زوار داشتند.

فصل سوم به اقدامات سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه در دوره‌ی مظفرالدین شاه پرداخته است. پس از ترور ناصرالدین شاه، فرزندش مظفرالدین شاه بر تخت شاهی جلوس کرد و احتشام السلطنه به معاونت کل وزارت امور خارجه رسید. هنگامی که در وزارت امور خارجه خدمت می‌کرد عضو مؤثر و فعال و بعدها ریاست تشکیلاتی به نام انجمن معارف هم بود. هدف این انجمن تأسیس مدارس جدید در تهران بود و در مدت کوتاهی موفق به ساخت چند مدرسه در تهران شد از جمله مدارس رشدیه، خیریه، علمیه، شرف، سادات. از کارهای دیگر انجمن تأسیس کتابخانه‌ی ملی و کلاس‌های اکابر و به‌وجود آوردن مرکزی به نام دارالتالیف و دارالترجمه بود. احتشام السلطنه در مورد تأسیس



خصوص آزادی خواهان نشان می‌دهد.

فصل چهارم به بررسی اقدامات سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه در دوره محمدعلی شاه پرداخته است، بدین مضمون که پس از قتل اتابک اوضاع تهران نابسامان شد و وضع الدوله رئیس مجلس از ترس جان خود از ریاست کناره‌گیری کرد و هیأت دولت و وکلای مجلس به منزل احتشام السلطنه رفتند و با اصرار او را به ریاست مجلس واداشتند. احتشام السلطنه ایامی که ریاست مجلس را عهده‌دار بود با مشاهده‌ی اوضاع آشفته‌ی سیاسی و هم‌چنین خالی بودن خزانه که باعث عدم پرداخت حقوق به کارکنان دولت شده بود و می‌توانست زمینه بلوا و شورش را فراهم سازد، درصدد برآمد که درباریان را با اعیان مجلس و مشروطه نزدیک کند؛ چرا که آن‌ها می‌توانستند بعدها دشمن خطرناکی برای مشروطه باشند. بنابراین با این اقدام، هم دفع خطر کرده بود و هم از توان مالی آن‌ها، مشکل بی‌پولی دولت را تا حدودی برطرف می‌کرد. یکی از وقایعی که در دوران ریاست احتشام السلطنه اتفاق افتاد، واقعه‌ی توپخانه‌ی کودتای اول بر ضد مجلس، در زمان محمدعلی شاه بود و دیگر برخورد او با سید عبدالله بهبهانی در جریان مجلس که به استعفای او منجر شد. اقدامات احتشام السلطنه در دوران ریاست مجلس شورای ملی عبارتند از: ۱- ایجاد نظم و انضباط در مجلس ۲- برقراری موجب برای وکلاء ۳- تنظیم و تصویب متمم قانون اساسی ۴- تأسیس کمیسیون‌های ثابت ۵- تنظیم بودجه و تعدیل مستمری‌ها و تقلیل حقوق شاه ۶- تأسیس بانک ملی ۷- تأسیس مدرسه‌ی آلمانی. پس از کناره‌گیری احتشام السلطنه از ریاست مجلس، به مقام وزیرمختاری ایران در انگلیس و نیز برای دومین بار به وزیرمختاری در برلن منصوب شد.

فصل پنجم: در این فصل نگارنده به اقدامات سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه در دوره احمد شاه پرداخته است. وی در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۱۱م از برلن به طرف استانبول حرکت کرد. مأموریت احتشام السلطنه به عنوان سفیر کبیر ایران در استانبول هشت سال به طول انجامید و مقارن با جنگ جهانی اول بود. اقدامات وی در

انتخاب احتشام السلطنه

به نمایندگی دوره‌ی اول

مجلس شورای ملی، پایگاه

مشروطه‌طلبی او را در میان

مردم به خصوص آزادی خواهان

نشان می‌دهد

استانبول عبارتند از: ۱- مالکیت محل سفارت ایران در استانبول ۲- تحدید حدود و رفع اختلاف مرزی ۳- مهاجرت ایرانیان به استانبول. پس از برکناری از سفارت استانبول، به برلن رفت و پس از چند سال اقامت در آنجا در سال ۱۳۰۲ عازم تهران شد که مصادف بود با حوادث به قدرت رسیدن سردار سپه (رضاخان) و دریافت فرمان ریاست‌وزرداری وی از احمد شاه. سردار سپه در اندیشه‌ی ایجاد جمهوری بود. عده‌ای از نمایندگان مجلس مانند مدرس با این امر موافقت نداشتند. سرانجام، در این مورد نشست با افراد مختلف تشکیل شد. احتشام السلطنه هم یکی از اعضای این نشست بود. در آن جلسه رئیس‌الوزراء نطقی در مورد جمهوری و اهمیت آن کرد که همه‌ی حاضران تحت تأثیر قرار گرفتند و سند پذیرش جمهوری را امضاء کردند. احتشام السلطنه نیز از کسانی بود که به جمهوری رضاخان پاسخ مثبت داد و حتی، به دلیل این که ریش سفید ایل قاجار بود، به او مأموریت داده شد که ولیعهد محمدحسن میرزا را وادار به استعفا کند. البته احتشام السلطنه موفق نشد ولیعهد را متقاعد به استعفا کند.

فصل ششم کتاب به اقدامات سیاسی و اجتماعی احتشام السلطنه در دوره رضاشاه اختصاص دارد. وی در این دوران در امور سیاسی و کشور معروف بود. پس از به سلطنت رسیدن رضاخان، در اولین کابینه‌ی مستوفی‌الممالک، وزیر کشور شد. پس از انحلال کابینه‌ی مستوفی، به کمیسیون معارف پیوست و تا پایان عمر در این شغل باقی ماند. وی در سال ۱۳۱۴ و در سن ۷۵ سالگی درگذشت. احتشام السلطنه یکی از مردان سیاسی بود که در امور فرهنگی هم فعالیت داشت و مسئولیت‌های متعددی در داخل و خارج کشور به عهده‌ی او گذارده شده بود. اغلب منابع بر اقدامات فرهنگی او صحه می‌گذارند. وی فردی وطن‌دوست و وطن‌پرست بود و در دوران حیات سیاسی خود رفتاری توأم با شهامت داشت. از نظر شخصی، فردی منظم و با انضباط بود.

تا قبل از نگارش این مجموعه، در مورد احتشام السلطنه تحقیقات و کتاب‌هایی نوشته شده است. تنها فرق مجموعه‌ی حاضر با دیگر نوشته‌ها، این است که نگارنده در این مجموعه از اسناد دست اول و منتشر نشده، که به صورت مجموعه و آلبوم مکاتبات در اختیار یکی از بازماندگان احتشام السلطنه، به نام امیرنصرت بالاخانلو، نوه‌ی احتشام السلطنه، بوده، استفاده کرده است. این اسناد پس از استفاده در این مجموعه و انتشار، به سازمان اسناد ملی منتقل شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱- دَو یعنی شتر و دَوَلو یعنی شترداران

۲- رئیس صد نفر از غلامان کشیک دربار شاهی

۳- معاون کشیک‌چی و رئیس افراد محافظ شخصی شاه

۴- تقی‌زاده، سیدحسن، زندگانی طوفانی من، به کوشش ایرج افشار،

صص ۳۳۱ و ۳۳۲